

✽مهرداد خدیر

هر چند اعتراضات دانشجویان بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و آغاز ترم بهار قابل پیش‌بینی بود – خاصه اگر دوست و هم‌کلاسی آنان در میان جان‌باختگان وقایع دی‌ماه بوده باشد– اما جنس شعارها و در برخی موارد سرنگون شده، تناسبی با جامعهٔ تحصیل‌کرده ندارد اگرچه می‌تواند ناشی از خشم باشد و این که وقتی زمین سیاست به تعبیر سعید حجاریان ناهموار و راه اصلاحات درون‌زا بسته می‌شود، خیابان جای سیاست را می‌گیرد و در این فقره هم دانشگاه به بخشی از خیابان بدل می‌شود.



نویسنده نه می‌تواند با شعارهایی که بازگشت دوران استبداد شاهی را مطالبه کند هم‌سو باشد و نه با ادبیات و ادعای کیهان که شعار دهندگان را دانشجوی واقعی نمی‌داند (و لاید از نگاه آنان دانشجویان واقعی تنها همان چند ده نفری هستند که هر از گاهی در مقابل این یا آن سفارتخانه اروپایی تجمع می‌کنند و دست بر قضا نوشته‌های با دست‌خط یک‌سان در دست می‌گیرند و احیاناً در رقابت نابرابر با دیگران به دانشگاه راه یافته‌اند). فقرهٔ اول به سبب آن که دوران کودکی و نوجوانی را در رژیم پهلوی به سر کردم، نام خیابان محل زندگی، شاه بود و مجسمه‌ای که هر روز می‌دیدیم هم پدر شاه، کتاب‌های درسی نیز به عکس شاه شروع می‌شد و در سالن سینما باید به احترام شاه می‌ایستادم. تازه به خاطر مذهبی – سیاسی بودن مدرسه از سرود شاهنشاهی معاف بودیم و این گونه بود که حال مردم از تکرار و استمرار یک خانواده به هم خورد و انقلاب به معنی همین است که حال آدم به هم می‌خورد. به ویژه وقتی در سال های دهه ۵۰ مجال سفر به خارج از کشور و نفقس در هوای آزاد را یافتند. کافی است به اسامی خیابان‌های تهران در آن زمان دقت کنید: شاه، محمدرضا شاه، سلطنت‌آباد، پهلوی، فرح، آریامهر که با وقوع انقلاب به جمهوری، سید جمال‌الدین اسد آبادی، پاسداران، مصدق، سهروردی و فاطمی تغییر یافت (و البته دربارهٔ خیابان فرح، کتر نصر می‌گوید اواخر به دستور خود ملکه به سهروردی تغییر یافته بود). ترجیح "جمهوری" برای آن بود که حاکمیت یک‌نفره پایان یابد و اضافه شدن "اسلامی" به جمهوری نیز به خاطر آن که فقها و روحانیون ذات جمهوری را سکولار و عرفی می‌دانستند که با دین سازگار نیست. هر اتفاقی که در طول جمهوری اسلامی و سال های بعد رخ داده باشد اما اصل تلاش برای تبدیل سلطنت به جمهوری را زیر سؤال نمی‌برد هر چند که اگر مجال اصلاح داده شده بود نیاز به انقلاب نبود چرا که ایرانیان با انقلاب مشروطه از قدرت مطلقه عبور کرده بودند. فقره دوم به این خاطر که روزنامه کیهان معتقد است نه اینها دانشجوی واقعی‌اند و نه معترضان ۱۸ و ۱۹ دی مردم بودند و صریحا نوشت: مردم یعنی شرکت‌کنندگان در تظاهرات ۲۲ دی و اصلا به خاطر همین به روزنامه هم‌میهن خرده گرفت که معترضان را هم در زمره مردم دانسته بود و زمینهٔ توقیف موقت آن را فراهم ساخت! حال آن که رهبری تصریح کردند آنها هم فرزندان ما

بررسی و آسیب‌شناسی ادبیات اعتراضی اخیر در دانشگاه‌ها

چرا شعارهای دانشجویان این‌گونه شد؟!

سال قبل تمام پژوهش‌ها از گرایش به جریان‌ات چپ در دانشگاه‌ها به رغم تصور توفی لیبرالیسم حکایت می‌کرد. چپ نه الزاما به معنی مارکسیستی و کمونیستی کلمه که در مفهوم عدالت خواهی و نهایتا سوسیالیستی آن.
۷. نسل جدید، ایران‌دوست و ملی‌گراست، اما نمی‌گذارند در پاسارگاد مراسم اجرا کنند. پهلوی‌چی‌ها با بهره از همین ایدیولوژی‌زدگی افراطی، ملی‌گرایی را مصادره کرده‌اند در حالی که به گواه تقویم سال‌های آخر حکومت شاه روزی به نام کوروش را پاس نمی‌داشتند و اصلا ملی‌تر از دکتر محمد مصدق که؟ هم او که با او میانه‌ای نداشتند و نداشتند.

در دوران بعد اما آن قدر ملی‌گرایی را تحقیر و تحقیف کردند که در ذهن برخی از نسل جوان سلطنت‌طلبی با ملی‌گرایی مراد نشست در حالی که گفتمان غالب پهلوی اول و دوم باستان‌گرایی بود نه ملی‌گرایی. اگر ملی بودند به اندرزهای رجال ملی گوش فرا می‌دادند نه آن که اغلب همسر غیر ایرانی اختیار کنند و فرزندان را به خارج از ایران بفرستند. مشخص نمی‌توان مدعی ملی‌گرایی بود و با ملی‌ترین شخصیت تاریخ معاصر بر سر مهر نبود و شازده هم اگر این معضل را حل نکند نمی‌تواند حامیان را مجاب کند.

۸. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بی هیچ تردید نگاه و ذائقه همه به ویژه نسل جدید را تغییر داده و صدا و سیما و تریبون‌های ستنی را بی‌اثر کرده است. آن وقت معممی به نام حجت‌الاسلام خسرپونه در جایگاه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گوید جوانان برون و در مساجد اعتراض کنند! امامان جماعات بیشتر مساجد را انتصابی کرده‌اند و می‌گویند در آنها اعتراض کنید. کافی است وضعیت مسجدهای ایران با استانبول مقایسه شود تا ببینیم ادغام دیانت در قدرت و سیاست چه بر سر مسجد و مسجدمرو آورده است. وقتی این همه اثر پایدی از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را دیدند به فکر چاره افتادند: فیلترینگ! غافل از این که فیلترینگ تنها قبح استفاده از فیلترشکن را ریخت و اگر ادامه یابد و کاربران را به اینترنت ماهواره‌ای و استارلینک سوق دهد کل حکمرانی بر آن را از کف داده‌اند و این هشدارى است که دکتر ستار هاشمی وزیر ارتباطات دولت پزشکیان بارها بر زبان آورده و گوش شنوایی نیافته است.

۹. فرهنگ جوان روزنامه‌نگاری که از شگفتی من از گرایش آن به پهلوی نارسند بود روزی گفت: مگر شما خود نگفتید مهم‌تر از خاتمی دوره خاتمی است؟ حالا هم برای ما آن دوره مهم است و از علاقه به مدرنیسم و مدرنیته گفت و توضیح دادم: مدرنیته را با انتخابات و تغییر حاکمان و پارلمان باید شناخت نه با مظاهر صوری تجدد. سری تکان داد و دانستم نپذیرفته و در دل می‌گوید اگر قرار بر آن است که نه آزادی اجتماعی داشته باشیم نه آزادی سیاسی حداقل اولی بهتر از هیچ است هر چند فراموش کرده بود که شال از سر انداخته و حاکمیت زیر بار این یکی رفته!

۱۰. دانشگاه، نهاد علم است اما دانشجوی امروز چنین تصور و تجربه‌ای از آن ندارد و حس می‌کند هم نهادهای ایدیولوژیک و هم قدرت و هم نهادهای نظامی مستقیم و غیر مستقیم در آن دخالت دارند. نه این که دانشجویان امروزی خیلی اهل علم باشند که شاید خیلی‌ها به لحاظ علمی در سطوح مورد انتظار نباشند اما این را می‌فهمند و می‌دانند که دانشگاه باید تنها نهاد علم باشد و بخشی از اعتراض آنان به این خاطر است که ما این که روحانیون در حوزه‌های علمیه هم به دخالت جاهای دیگر اعتراض دارند.

۱۱. به میزانی که از اثرگذاری انتخابات و صندوق رأی کاسته شد تمایل به جلوه های اعتراضی دیگر فرونی گرفت. بخشی از وضعیت امروزی در نظام دولتی‌های جمهوری اسلامی را زیر سؤال بردند و تنها از ۴ سال اول احمدی‌نژاد و سه سال مرحوم ابراهیم رییسی ستایش کردند و از سر رودریاستی گاهی یک سال نخست‌وزیری رجایی تازه آن هم نه زیاد چون با یار نزدیک او – بهزاد نبوی- مشکل داشتند. مخالفین که تفکیک نمی‌کنند اما همه را با هم نمی‌کردند. به بیان دیگر بخشی از تخریب را خود مدعیان انجام دادند منتها علیه دولت‌ها و نه ارکان دیگر.

۱۲. دانشجویان امروز همان دانش آموزان دیروزند. کیست که شوک داشته باشد وزیر فعلی آموزش و پرورش شاید ضعیف‌ترین وزیر تاریخ این وزارتخانه باشد اگر این جایگاه را برای وزیر مرحوم ریسی (مراد صحرایی) قابل نباشیم! هر وزیری که انتخاب می‌شود مدعی است می‌خواهد سند تحول را اجرا کند. ۱۴ سال است همین را می‌گویند! سند تحول چیست؟ شعارهای آرمانی و کافی است نگاه کنید برای دانش‌آموز مورد نظر و هدف این سند ۵۰ صفت است همین که خواستار روایت سوم شده است، در واقع صدا و سیما بخشی از مخاطبان ناراضی را ناخواسته به اینترنت‌شال سپرد و از آنان تأثیر پذیرفتند و مشخص‌ترین نشانه اثرپذیری شعار علیه نیروهای چپ است در حالی‌که تا همین چند

سیاست

برابر خدا، خدای عالم و خدای من و تو، خدای عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ینثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، از اوده و امینوار، خدایابور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزادمنش، متعلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی."

اگر این سند قابل اجراست چرا ۱۴ سال اجرا نشده و مدام می‌گویند اجرا می‌کنیم و اگر اجرایی نیست چه فایده‌ای دارد؟ هر قدر آموزش و پرورش در ۶ سال اول مفید و به درد بخور است در ۶ سال دوم بچه‌ها را در تونل کنکور می‌اندازند و دانشگاه‌ها نشان می‌دهد چقدر متحول شدند! ۱۳. دانشجوی آینده می‌خواهد. در دههٔ ۶۰ فضای سیاسی باز نبود اما دست‌کم گرایش‌های درون حکومت آزادی عمل داشتند. آن نظر شغلی هم دانشجوی برای خود آینده‌ای متصور بود. حالا انگیزه‌های دیگر در کار است و اکثر دانشجویها آمیدی به آینده شغلی ندارند و این را با شعارهای اعتراضی از نوع خاص و حساس فریاد می‌کنند.

۱۴. حیف است که به شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره نکنیم که در قانون اساسی هم نامی از آن برده نشده و مهم‌ترین کار آن در سال های گذشته تصویب حکم ریاست رییسان پیشنهادی دانشگاه‌ها بوده تا بدانیم وزیر علوم تا چه حد مسلوب‌الاختیار ست و دیگری بحث درباره این که معدل دبیرستان را تا چه حد در کنکور دخالت بدهند!

۱۵. در آغاز ابراز تأسف شد از شعارهای پرخاش‌گرانه و رواج فحش که واقعا سابقه نداشته و اگرچه در جنبش مهسا مواردی دیده شد ولی برای تحریک طرف مقابل بود و حالا رو به گسترش است و آن هم ناشی از آن است که در ادبیات نسل جدید قبح قدما را ندارد یا از سر خشم است با تصور اثرگذاری بیشتر آن یا واکنش به رفتارها و تحقیرهای مجریان تزریق شده به تلویزیون در دوران اخیر.

صادق هدایت، نویسنده مدرن ایرانی که خوش‌بختانه مشمول فحاشی در اینستاگرام قرار نگرفته می‌گوید: "فحش، یکی از اصول ایجاد تعادل در آدمیزاد است. از تعداد و نوع فحش در هر زبانی می‌شود از اوضاع مردمی که در یک ناحیه زندگی می‌کنند سر درآورد و رابطه بین آنها را کشف کرد. زبان فارسی اگر هیچ نداشته باشد فقیر آباد زیاد دارد و ما که سر این ثروت عظیم نشسته‌ایم چرا ولخرجی نکنیم؟" فحاشی و پرخاش را اگر ناشی از فرهنگ شماری از خارج‌نشینان ندانیم ناشی از بهره‌خوردن تعادل است و چنه طنز دهنده‌ای که از فحش به مثابه ابزار ثروت عظیم ملی یاد شده! استیون پینکر اما در "پنجره‌ای به سرشت انسان" یکی از اهداف دشمن‌گویی را "تخلیه احساسات دربارهٔ رخدادهای ناگهانی" می‌داند و از این منظر قابل بررسی است و با انتساب به دشمن مشکل حل نمی‌شود.

«»

تورم فشار اصلی‌اش روی طبقات ضعیف است

کتابخانه مستقیم PDF Compressor Free Version



در شرایطی که ارزش دلاری حداقل دستمزد به شدت کاهش یافته و فشار تورم معیشت خانوارهای کارگری را تحت تأثیر قرار داده، سیمه گل‌پور، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور، معتقد است که علت اصلی این بحران، تورم مزمن و جهش‌های ارزی است که نتیجه ناکارآمدی دولت در مدیریت اقتصاد کلان استوی تأکید دارد که برای حل مشکلات معیشتی، باید به جای سرکوب مزدی، سیاست‌های اصلاحی در زمینه مهار تورم اجرا شود

سقوط ارزش دلارى حداقل دستمزد، قبل از هر چیز نتیجه تورم مزمن و جهش‌های ارزی ناشی از ناکارآمدی دولت در مدیریت اقتصاد کلان است، نه مسئله دستمزد اسمی. تورم معیشتی بارها تصریح کرده‌اند که: "تورم، فشار اصلی‌اش روی طبقات ضعیف است و علاج وظیفه قطعی دولت است." وقتی دولت با کسری بودجه، خلق نقدینگی و بی‌ثباتی ارزی تورم ایجاد می‌کند، عملا از جیب مردم برداشت می‌کند. این خسارت، طبیعی یا اجتناب‌ناپذیر نیست؛ محصول تصمیمات حاکمیتی است. مسئله نگران‌کننده‌تر اینجاست که دولتی که

از سوی دیگر نباید آدرس غلط بدهیم؛ تورم ایران دستمزدمحور نیست. تورم ایران، مزدمحور نیست، تولیدمحور نیست، تقاضامحور نیست، بلکه کسری بودجه‌محور و سیاست‌محور است. متهم کردن مزدبگیر به تورم، ساده‌ترین و ناعادلانه‌ترین آدرس غلط ممکن است؛ آن هم در حالی که رهبر انقلاب بارها بر حمایت از نیروی کار و حفظ کرامت معیشتی مردم تأکید کرده‌اند. در حالی که پیشنهاد افزایش دوباره حقوق در سال مطرح شده، مهملی فیزی می‌گوید مسئله اصلی نه تعداد دفعات افزایش دستمزد، بلکه بازگشت دولت به وظیفه اصلی خود یعنی مهار تورم و حفظ ارزش پول است؛ زیرا بدون کنترل تورم، هر میزان افزایش حقوق تنها مُسکنی را می‌پزدیرد، باید سهم خود از جبران خسارت را هم بپردازد، نه اینکه ساده‌ترین مسیر یعنی سرکوب مزد را انتخاب کند.»برخی تحلیل‌گران تأکید دارند در شرایط رشد اقتصادی منفی و فشار سنگین بر بنگاه‌ها، افزایش دستمزد متناسب با تورم با تشدید رکود، تعدیل نیرو یا انتقال هزینه به قیمت کالاها همراه خواهد بود، راهکار پیشنهادی در این زمینه چیست تا هم کارگران از سبب معیشت دور نشوند و هم تورم افزایش نیافته

و منجر به تعدیل نیروها نشود؟هیچ‌کس منکر ضرورت مهار تورم نیست؛ اما سؤال اساسی این است: چرا مهار تورم باید از سبب کارگر و با نقض صریح قانون انجام شود؟ رهبری بارها هشدار داده‌اند: "دور زدن قانون و نادیده گرفتن حقوق مردم، به هیچ وجه قابل قبول نیست." ماده ۴۱ قانون کار کاملا شفاف است: نرخ تورم واقعی و سبب معیشت خانوار. اجرای ناقص این امر نهنها سیاست‌گذاری نیست، بلکه تخلف قانونی

«آیین اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت تپتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۰»

ن این مورد ۳ قانون جدید مشخص شد. ۱. به ساختمان‌ها، جاهای تفریحی، مسکن و واحدهای فاقد سند رسمی، که به موجب این آیین‌نامه، سند دولتی اند، سند ملی صادر می‌شود. ۲. به پهلوی نارسند بود روزی گفت: مگر شما خود نگفتید مهم‌تر از خاتمی دوره خاتمی است؟ حالا هم برای ما آن دوره مهم است و از علاقه به مدرنیسم و مدرنیته گفت و توضیح دادم: مدرنیته را با انتخابات و تغییر حاکمان و پارلمان باید شناخت نه با مظاهر صوری تجدد. سری تکان داد و دانستم نپذیرفته و در دل می‌گوید اگر قرار بر آن است که نه آزادی اجتماعی داشته باشیم نه آزادی سیاسی حداقل اولی بهتر از هیچ است هر چند فراموش کرده بود که شال از سر انداخته و حاکمیت زیر بار این یکی رفته!

۱۰. دانشگاه، نهاد علم است اما دانشجوی امروز چنین تصور و تجربه‌ای از آن ندارد و حس می‌کند هم نهادهای ایدیولوژیک و هم قدرت و هم نهادهای نظامی مستقیم و غیر مستقیم در آن دخالت دارند. نه این که دانشجویان امروزی خیلی اهل علم باشند که شاید خیلی‌ها به لحاظ علمی در سطوح مورد انتظار نباشند اما این را می‌فهمند و می‌دانند که دانشگاه باید تنها نهاد علم باشد و بخشی از اعتراض آنان به این خاطر است که ما این که روحانیون در حوزه‌های علمیه هم به دخالت جاهای دیگر اعتراض دارند.

۱۱. به میزانی که از اثرگذاری انتخابات و صندوق رأی کاسته شد تمایل به جلوه های اعتراضی دیگر فرونی گرفت. بخشی از وضعیت امروزی در نظام دولتی‌های جمهوری اسلامی را زیر سؤال بردند و تنها از ۴ سال اول احمدی‌نژاد و سه سال مرحوم ابراهیم رییسی ستایش کردند و از سر رودریاستی گاهی یک سال نخست‌وزیری رجایی تازه آن هم نه زیاد چون با یار نزدیک او – بهزاد نبوی- مشکل داشتند. مخالفین که تفکیک نمی‌کنند اما همه را با هم نمی‌کردند. به بیان دیگر بخشی از تخریب را خود مدعیان انجام دادند منتها علیه دولت‌ها و نه ارکان دیگر.

۱۲. دانشجویان امروز همان دانش آموزان دیروزند. کیست که شوک داشته باشد وزیر فعلی آموزش و پرورش شاید ضعیف‌ترین وزیر تاریخ این وزارتخانه باشد اگر این جایگاه را برای وزیر مرحوم ریسی (مراد صحرایی) قابل نباشیم! هر وزیری که انتخاب می‌شود مدعی است می‌خواهد سند تحول را اجرا کند. ۱۴ سال است همین را می‌گویند! سند تحول چیست؟ شعارهای آرمانی و کافی است نگاه کنید برای دانش‌آموز مورد نظر و هدف این سند ۵۰ صفت است همین که خواستار روایت سوم شده است، در واقع صدا و سیما بخشی از مخاطبان ناراضی را ناخواسته به اینترنت‌شال سپرد و از آنان تأثیر پذیرفتند و مشخص‌ترین نشانه اثرپذیری شعار علیه نیروهای چپ است در حالی‌که تا همین چند

۱۳. دانشجوی آینده می‌خواهد. در دههٔ ۶۰ فضای سیاسی باز نبود اما دست‌کم گرایش‌های درون حکومت آزادی عمل داشتند. آن نظر شغلی هم دانشجوی برای خود آینده‌ای متصور بود. حالا انگیزه‌های دیگر در کار است و اکثر دانشجویها آمیدی به آینده شغلی ندارند و این را با شعارهای اعتراضی از نوع خاص و حساس فریاد می‌کنند.

۱۴. حیف است که به شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره نکنیم که در قانون اساسی هم نامی از آن برده نشده و مهم‌ترین کار آن در سال های گذشته تصویب حکم ریاست رییسان پیشنهادی دانشگاه‌ها بوده تا بدانیم وزیر علوم تا چه حد مسلوب‌الاختیار ست و دیگری بحث درباره این که معدل دبیرستان را تا چه حد در کنکور دخالت بدهند!

۱۵. در آغاز ابراز تأسف شد از شعارهای پرخاش‌گرانه و رواج فحش که واقعا سابقه نداشته و اگرچه در جنبش مهسا مواردی دیده شد ولی برای تحریک طرف مقابل بود و حالا رو به گسترش است و آن هم ناشی از آن است که در ادبیات نسل جدید قبح قدما را ندارد یا از سر خشم است با تصور اثرگذاری بیشتر آن یا واکنش به رفتارها و تحقیرهای مجریان تزریق شده به تلویزیون در دوران اخیر.

صادق هدایت، نویسنده مدرن ایرانی که خوش‌بختانه مشمول فحاشی در اینستاگرام قرار نگرفته می‌گوید: "فحش، یکی از اصول ایجاد تعادل در آدمیزاد است. از تعداد و نوع فحش در هر زبانی می‌شود از اوضاع مردمی که در یک ناحیه زندگی می‌کنند سر درآورد و رابطه بین آنها را کشف کرد. زبان فارسی اگر هیچ نداشته باشد فقیر آباد زیاد دارد و ما که سر این ثروت عظیم نشسته‌ایم چرا ولخرجی نکنیم؟" فحاشی و پرخاش را اگر ناشی از فرهنگ شماری از خارج‌نشینان ندانیم ناشی از بهره‌خوردن تعادل است و چنه طنز دهنده‌ای که از فحش به مثابه ابزار ثروت عظیم ملی یاد شده! استیون پینکر اما در "پنجره‌ای به سرشت انسان" یکی از اهداف دشمن‌گویی را "تخلیه احساسات دربارهٔ رخدادهای ناگهانی" می‌داند و از این منظر قابل بررسی است و با انتساب به دشمن مشکل حل نمی‌شود.

آخر موضوع ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت تپتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر باي شعار ۱۳۰۶/۱۳۰۷/۱۳۰۸ مورخ ۱۳۰۶/۰۶/۱۴ هیأت مؤلف موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت تپتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی، مستقر در واحد تپتی حوزه ثبت ملک اداره یک هنوز نصرتت مالکانه بهمعارش متقاضی آتی/خلع عیدالساده سراجچه فرزند شلوه افق شماره شناسنامه ۲۴۴۴ کد ملی ۱۷۵۱۳۳۳۳۹۱۴ مورخ ۱۳۰۶/۰۶/۱۴ عتر مریم بلاق ۵۸ بخش ۹ خربلاری از مالکین عثمانی (بقدراسیم) رسمی اقای/عیدالساده سراجچه معین گردیده‌است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به ضمیمه ۱۵ روز آگاهی می‌رساند در صورتی که شخص سبب به صدور سند مالکیت مدعیانه اعتراض یا اعتراض به نتواند از تاریخ انتشار اولین آگاهی به مدت نود ماه اعتراضی نمود یا از این اناره تسلیم و پس از امانت سپردن مدت یک ماه از تاریخ صدور اقرارنامه اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نماید. بدینوسیله در صورت اعتراض مدت مذکور و عدم صدور اعتراض در وقت مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار لویت اول: ۱۳۰۶/۱۲/۱۸
شناسه آگاهی: ۲۲۳۱۸۸

تاریخ انتشار لویت دوم: ۱۳۰۶/۱۲/۲۰
عنا آشنی: قلام مقام رئیس واحد ثبتی